



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 19, No. 2, (Serial. 38), Summer 2026

 10.30497/qhs.2026.248697.4193

Research Paper

Recovering Ḥadīths from Early Sources through the Method of “Recurrent Chains of Transmission”: A Case Study of the Works of ‘Alī b. al-Ḥasan al-Ṭāṭarī

Seyed Ali Delbari * 

Seyed Ali Sajjadi Zadeh ** 

Reza Khoshhal *** 

Received: 03/08/2025

Accepted: 04/01/2026

Abstract

The presence of weaknesses in the chains of transmission (*isnāds*) of many ḥadīths has significantly undermined their authenticity and reliability, leading to the marginalization of a substantial body of transmitted reports. In response, various methods have been developed to recover the contents of early ḥadīth sources and reassess the evidentiary value of such traditions. Among these, the method of “recurrent chains of transmission” has demonstrated considerable potential for restoring the credibility of reports preserved in early sources. Using a descriptive-analytical approach, this study provides a precise definition of this method, explains its application in reconstructing early ḥadīth sources, and implements it through a case study of the traditions attributed to the works of ‘Alī b. al-Ḥasan al-Ṭāṭarī. One of the principal contributions of this study is the identification of recurrent transmission patterns within otherwise non-prominent isnāds, thereby enhancing their evidentiary value. More specifically, by applying the method of recurrent chains of transmission to an isnād transmitted through Ibn Samā‘ah to al-Ṭāṭarī, the study demonstrates that seven independent ḥadīth traditions can be traced back to al-Ṭāṭarī’s works. Moreover, the analysis shows that the documentary weaknesses affecting two of these reports can, to a considerable extent, be mitigated through corroborative transmission evidence.

Keywords: ḥadīth reconstruction; early ḥadīth sources; recurrent chains of transmission; ‘Alī b. al-Ḥasan al-Ṭāṭarī; ḥadīth studies.

© The Author(s) 2026.

* Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (delbari@razavi.ac.ir)

** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (Sajjadizadeh@razavi.ac.ir)

*** Graduate of the fourth level of Mashhad Seminary and PhD student in Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. (Corresponding author). (khoshhal.reza@razavi.ac.ir)



OPEN ACCESS



دانشگاه امام صادق



<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۹، شماره ۲، پیاپی ۳۸

بهار و تابستان ۱۴۰۵، صص ۹۹-۱۱۸

doi 10.30497/qhs.2026.248697.4193

مقاله پژوهشی

بازیابی احادیث منابع کهن بر اساس روش «اسناد پرتکرار» با تطبیق بر کتب «علی بن الحسن الطاطری»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

سید علی دلبری *

سید علی سجادی زاده **

رضا خوشحال ***

چکیده

از آنجا که وجود عوامل ضعف سند در احادیث تا حد زیادی اعتبار و وثاقت آنها را خدشه دار ساخته و بخش زیادی از روایات را کم بها جلوه داده است، روش‌های مختلف بازیابی احادیث منابع کهن و به کارگیری آنها در این عرصه کارایی خود را آشکار کرده و تا حدودی توانسته است میزان اعتبار تعدادی از آن احادیث را احیا کند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، تعریفی دقیق از روش «اسناد پرتکرار» ارائه کرده، کاربرد آن را در بازیابی منابع کهن حدیثی بازشناسانده و عملیات اجرایی آن را نسبت به احادیث کتب «علی بن الحسن الطاطری» پیاده‌سازی کرده است. از مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله چگونگی شناسایی «اسناد پرتکرار» در اسناد غیرمشهوره است که در عین حال توانسته به افزایش اعتبار آنها بیانجامد. به تعبیر دقیق‌تر تنها با به‌کارگیری روش «اسناد پرتکرار» در سندی که از طریق «ابن سماعه» به «طاطری» منتهی می‌شد نشان داده است که، هفت محتوای مجزای حدیثی از کتاب طاطری نقل و انتشار یافته و ضعف سندی موجود در دو مورد از آنها تا حدودی به اعتبار مبدل گردید.

واژگان کلیدی: بازیابی حدیث، منابع کهن، اسناد پرتکرار، علی بن الحسن الطاطری، علوم حدیث.

* استاد گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (delbari@razavi.ac.ir)

** استادیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (Sajjadizadeh@razavi.ac.ir)

*** دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه مشهد و دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

(khoshhal.reza@razavi.ac.ir) (نویسنده مسئول)

طرح مسئله

به فراوانی دیده می‌شود که گنجینه گهربار احادیث معصومان (ع) در نظر جامعه متدین آگاه به مضامین احادیث به علت احتمال جعل و تحریف و از منظر حدیث شناسان و فقیهان با رویکرد وثوق سندی، به علت وجود برخی راویان مجهول یا ضعیف، از درجه اعتبار ساقط می‌شود و یا آنکه به آنها به اندازه کافی بها داده نمی‌شود و یا فاقد صلاحیت حجیت برای فتوا تشخیص داده می‌شود. با وجود آنکه فقها معیارهای مختلفی را برای حجیت اخبار آحاد ذکر کرده و به آنها عمل کرده‌اند، لکن تلاش برای به دست آوردن قرائن و شواهد اثبات کننده یا منع کننده پذیرش اخبار از میان انبوه منابع، اصول، کتب کهن و آثار بر جای مانده همچنان ادامه دارد. هدف اصلی این مقاله تبیین دقیق مفهوم «اسناد پرتکرار» و کیفیت به کارگیری این روش در بازیابی منابع کهن و تطبیق این روش بر احادیث کتب علی بن حسن طاطری است. به دیگر سخن به دنبال پاسخ به این پرسش است که: روش «اسناد پرتکرار» چیست و چگونه می‌تواند در بازیابی احادیث منابع کهن اثرگذار باشد؟ بدین منظور این مقاله ابتدا دو مسلک عمده وثوق سندی و وثوق صدوری را مورد بررسی قرار داده، پس از آن به شناسایی جایگاه علی بن حسن طاطری در علم رجال پرداخته، سپس مفهوم اسناد پرتکرار و کاربرد آن را شرح داده و در نهایت تعدادی از احادیث کتاب «الفرائض» و «المواریث» علی بن حسن طاطری را بازیابی کرده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه بازیابی و بازسازی کتب، اصول و مصنفات متقدم حدیثی آثار و مقالات متعددی نوشته شده اما خصوصاً درباره بازیابی به روش اسناد پرتکرار آثار کمتری به نگارش درآمده است. از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده مقاله «اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی» به کوشش محمد قربانی است که سعی کرده با استفاده از اسناد پرتکرار کتاب الکافی، منابع مکتوب آن را اثبات و بازیابی نماید (قربانی، ۱۳۹۴ش، صص ۱-۲۶). محمد عمادی حائری در کتاب «بازسازی متون کهن حدیث شیعه روش تحلیل نمونه» تحت عنوان «روش بازیابی متون مفقود حدیث شیعه» به تبیین سه روش اصلی بازیابی کتب پرداخته و در ذیل آن به روش اسناد پرتکرار اشاره کرده است (عمادی حائری، ۱۳۸۸ش، ص ۵۳). سزگین در اواخر مقدمه فصل دوم از کتاب «تاریخ نگارش‌های عربی» در قالب مثالهایی از کتب اهل سنت، سعی کرده است به بازیابی منابع اصلی جوامعی همچون صحیح بخاری بپردازد (سزگین، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۱). کتاب «رویکردهای نوین در حدیث پژوهی» تألیف جمعی از نویسندگان که مجموعه‌ای از مقالات علوم حدیث می‌باشد نیز به این موضوع پرداخته. در بخش سوم این کتاب مقاله‌ای با عنوان «مروری بر مسائل بازسازی متون حدیثی با تأکید بر حدیث شیعه» آمده و در آن به سه روش اصلی بازیابی منابع

روایی جوامع حدیثی پرداخته و به روش بازیابی بر اساس اسناد پرتکرار اشاره کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷ش، ص ۱۷۸). رضا قربانی زرین در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازشناسی منابع الکافی و تاثیر آن بر اعتبار سندی روایات» به شکل مبسوط به روش‌های بازیابی منابع کتاب الکافی پرداخته. او در بخشی با عنوان «محاسبه فراوانی نسبی نقل از یک راوی» توانسته است تاثیر کثرت نقل یک راوی از یک استاد نسبت به اساتید دیگرش را در افزایش احتمال اخذ از منبع مکتوب آن استاد در قالب نموداری نمایش دهد (قربانی زرین، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴). محاسبه فراوانی نسبی نقل از یک استاد نسبت به سایر اساتید یک راوی، بخشی از فرایند بازشناسی اسناد پرتکرار و از مقدمات این بحث است. در فصل سوم از کتاب «تاریخ حدیث مکتوب شیعه در دوران نخستین» تألیف عباس مفید به روش‌های کشف منابع مستقیم مؤلفان جوامع حدیثی پرداخته شده و بهترین مسیر در کشف منبع «اسناد پرتکرار به ضمیمه مشابهت با طرق فهارس» ذکر شده است (مفید، ۱۴۰۰ش، ص ۲۷۳). محمود ملکی، در فصل اول کتاب «منابع الکافی، بخش اصول: بازیابی و اعتبار سنجی» پانزده قاعده را برای بازیابی منابع اولیه الکافی شناسایی کرده است و ذیل قواعد دهم و سیزدهم به روش اسناد پرتکرار به صورت مختصر و گذرا اشاره کرده است (ملکی، ۱۴۰۲ش، صص ۸۸-۹۲). در بخش سوم کتاب «نگاهی به دریا» که گردآوری نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و برخی از تقریرات دروس آیه الله سید احمد مددی موسوی است، به قاعده کلی بازسازی کتب و همچنین فواید و نتایج مهم آن بر اساس روش تحلیل فهرستی پرداخته شده. در این مجموعه ذیل عنوان «نکات فنی بازسازی» به مقدار (کثرت) نقل احادیث کتاب در منابع و مصادر بعدی اشاره شده که اسناد پرتکرار در قالب همین نکته فنی قابل بحث است (مددی، ۱۳۹۳ش، صص ۳۹۴-۴۰۳). مقاله «ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی، دیدگاه‌ها و مبانی» تألیف سید رضا شیرازی و محمود ملکی در صدد برآمده تا دقیق‌ترین مفهوم از نظریه تحلیل فهرستی که از ابدائات آیه الله مددی بوده است را نمایان سازد و برداشت‌ها و دریافت‌های ناقص را از آن نظریه پیرایش کند. تفاوت نظریه تحلیل فهرستی با تحلیل رجالی در این مقاله نمایان شده و عنصر محوری در تحلیل فهرستی، افزایش یا کاهش اعتبار احادیث بر اساس قرائن دانسته شده نه صرفا اکتفاء به نتایج حاصل از تحلیل رجالی در قالب صحیح، حسن، موثق و ضعیف (شیرازی و ملکی، ۱۴۰۱ش، صص ۲۵-۵۶). اسناد پرتکرار نیز از مهم‌ترین قرائن افزایش اعتبار احادیث بوده و بخشی از فرایند تحلیل فهرستی و از مقومات آن نظریه به حساب می‌آید.

۱. قواعد و قرائن قدمات در صحت سنجی روایات

بازیابی کتب، بخشی از فرایند صحت سنجی و کشف اعتبار روایات است به گونه‌ای که نتایج بازیابی در میزان اعتبار روایات ظهور می‌کند. صحت سنجی روایات از زمان ائمه معصومین (ع) تا قرن هفتم بر محور کتب و وثوق

به صدور با استفاده از تجميع قرائن بود. اصحاب زمان ائمه(ع) در موارد متعددی کتابهای مختلفی را بر ایشان عرضه می‌کردند. پس از عصر ائمه(ع) نیز صحت سنجی بر محور کتب تا چند قرن در میان علمای شیعه رواج داشت و متون حدیثی بر حسب قواعد و قرائنی، سنجیده و انتساب مندرجات آن‌ها به معصومان(ع) تایید می‌شد. شیخ طوسی درباره قرائن صحت روایات می‌گوید: ملاک‌های پذیرش مضمون اخبار مطابق با عقل، کتاب، سنت متواتر و اجماع فرقه محقه است ولو اینکه ممکن است نفس خبر، کذب باشد، مگر آنکه دلیل دیگری بر خلاف آن خبر و یا فتوای خاصی وجود داشته باشد و اگر خبر دیگری مخالف آن وجود نداشته باشد، عمل به آن واجب است، زیرا این (عدم وجود مخالف)، اجماع شیعیان بر نقل آن است. و هنگامی که آنان بر نقل آن اجماع کردند و دلیلی بر عمل بر خلاف آن وجود نداشته باشد، شایسته است که عمل به آن قطعی باشد (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۱۴۳-۱۴۶). او همچنین ملاک‌های بطلان مضمون اخبار را مخالفت با دلیل قطعی از کتاب، سنت قطعی و اجماع فرقه محقه می‌داند ولو اینکه ممکن است آن خبر به درستی صادر شده باشد یا تقيه‌ای باشد و یا وجهی داشته باشد که بر ما مخفی است اما باید کنار گذاشته شود به علت آنکه مخالف ادله قطعی است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۶). شیخ طوسی در ادامه، بحث مرجحات اخبار متعارض را مطرح می‌کند و تنها در این قسمت است که سخن از بررسی رجالی و عدالت راویان به میان می‌آورد در حالی که در بحث از ملاک‌های پذیرش و بطلان اخبار سخنی از بررسی سندی در میان نبود (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۷).

شیخ بهائی نیز به تفاوت ملاک‌های صحت سنجی روایات نزد قدماء و متأخران اشاره کرده و چهار مورد از قرائنی را که ملاک پذیرش روایات در نزد قدماء بوده را بیان کرده است: ۱- وجود حدیث در یک یا دو اصل از اصول چهارصدگانه با طرق مختلف و اسناد متعدد معتبر، ۲- وجود حدیث در اصل معتبری که انتساب آن به یکی از اصحاب اجماع معلوم باشد، ۳- داخل بودن حدیث در یکی از کتاب‌هایی که بر ائمه(ع) عرضه شده و ایشان از مؤلف آن ستایش کرده‌اند، ۴- نقل حدیث از کتاب‌هایی که در میان قدماء، مورد اعتماد و اطمینان بوده است، چه مؤلفان آن از فرقه امامیه باشند مانند کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی، یا از غیر امامیه باشند مانند: کتاب القبلة علی بن الحسن الطاطری (شیخ بهائی، ۱۴۱۴ق، صص ۲۵-۳۰). گرچه روش اعتبار سنجی روایات به تدریج در قرن هفتم تغییر کرد اما روش قدمائی با تجميع قرائن از سوی بسیاری از فقهاء مورد استفاده بوده و هست. تا جایی که در عصر حاضر روش تحلیل فهرستی بر مبنای همان روش قدماء به قرائنی اشاره می‌کند که می‌تواند موجب تقویت یا تضعیف بررسی‌های سندی و رجالی متداول باشد و لو اینکه این روش هنوز به حد بلوغ و تکامل خود نرسیده است. این قرائن بر اساس ویژگی‌های نظریه تحلیل فهرستی عبارتند از: بومی سازی و توسعه روش‌های

ارزیابی پیشین، اعتبارسنجی مشکک، موردکاوی در مطالعه تاریخی و رویکرد واقع گرایی. این روش با بررسی رجالی و فهرستی، بررسی فضای صدور، مدیریت علمی امامان(ع) و بررسی فضای انتقال، پیاده سازی و اجرا می‌شود (شیرازی و ملکی، ۱۴۰۱ش، صص ۳۹-۴۹).

۲. قواعد و قرائن متأخران در صحت سنجی روایات

صحت سنجی روایات بر محور روایان و وثوق به سند توسط احمد بن طاووس حلّی و شاگردش علامه حلّی و پس از ایشان شهید ثانی، محقق اردبیلی، شیخ حسن عاملی، سید محمد عاملی، و از معاصران سید ابوالقاسم خوئی، شکل گرفت (شهید ثانی، ۱۳۹۴ش، صص ۱۰۱ و ۱۰۲) (ربانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۹). علامه حلّی گرچه به مبنای سند و اوصاف راوی به عنوان معیار پذیرش روایات معتقد بود اما از قرائن پذیرش حدیث به ویژه جبران ضعف سند بوسیله شهرت رویگردان نبود لکن به مرور زمان اعتبار قرائن قدماء در نزد فقهاء متأخر کم‌رنگ‌تر شد تا جایی که در دستگاه فقهاتی محقق اردبیلی جبران ضعف سند با شهرت مورد نقد قرار گرفت (اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۸۸) (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۱۵)، ایمان راوی شرط پذیرش روایات دانسته شد و حدیث موثق و حسن فاقد اعتبار قلمداد گردید و تنها حدیث صحیح و صحیح اعلایی مورد قبول بود (اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۴). ایشان با وجود ادای احترام به قدماء، قرائن موجود در نزد آنها را نمی‌پذیرفت و به جای فهم و برداشت مشهور، بر فهم و اجتهاد خود فقیه تأکید داشت. با وجود این محقق اردبیلی با قرائنی، روایات غیر امامی را نیز مورد پذیرش می‌داند. این قرائن عبارتند از: مدح عظیم درباره یک راوی، بعید بودن کذب، منفرد به ذکر نبودن راوی ثقه در بیان روایت، مؤید بودن به اصل، شهرت و اجماع، موافقت با عقل و بودن راوی از اصحاب اجماع (ایماندار، ۱۴۰۰ش، صص ۷-۱۴). صاحب مدارک نیز احادیث موثق و حسن را به کلی کنار نمی‌گذاشت بلکه برای اثبات استحباب و کراهت و تأیید روایت صحیح از آنها استفاده می‌کرد و یا در صورتی که مطابق با اصل عملی و فتوای اصحاب باشد، مخالفی نداشته باشد، مطابق با مقتضای اصل و سالم از معارض و مناسب با احتیاط عملی باشد آنها را معتبر می‌دانست. همچنین آیه الله خویی از عواملی یاد می‌کند که موجب وثاقت یا حسن روایات می‌شوند این عوامل عبارتند از:

- ۱- نص یکی از معصومان(ع) بر وثاقت راوی، ۲- نص یکی از اعلام متقدم همچون برقی، ابن قولویه، کشی، صدوق، مفید، نجاشی، طوسی و مانند ایشان، ۳- نص یکی از اعلام متأخر به این شرط که فردی که درباره وثاقت راوی اظهار نظر کرده است، معاصر او باشد یا در زمانی نزدیک به او زندگی کرده باشد و ۴- ادعای اجماع نه تنها از سوی قدمای مورد اعتماد بلکه از سوی متأخران، زیرا اگرچه چنین اجماعی منقول محسوب می‌شود اما از توثیقِ ناقلِ اجماع چیزی کم ندارد به‌ویژه هنگامی که همراه با توثیقات اشخاص دیگری باشد. همچنین ادعای

اتفاق بر وثاقت یک راوی از سوی متأخران، بی‌تردید نشان‌دهنده توثیق برخی از قدما است و همین مقدار برای اثبات وثاقت کفایت می‌کند مانند آنچه درباره ابراهیم بن هاشم رخ داد، که ابن طاوس ادعای اتفاق بر وثاقت او را کرده است (خوئی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، صص ۳۹-۴۵).

اصطلاح علمای متأخر قرن هفتم در زمینه دسته‌بندی حدیث معتبر بر سه نوع مشهور صحیح، حسن و موثق استوار گردید و تنها در صورتی که تمامی سلسله سند حدیث از راویان امامی بوده و همگی مورد توثیق قرار گرفته باشند، حدیث صحیح محسوب می‌شود. این اصطلاح در میان قدما شناخته‌شده نبود، بلکه آنان اصطلاح صحیح را بر هر حدیثی اطلاق می‌کردند که به واسطه قرائن، موجب اعتماد و اطمینان باشد (عاملی، ۱۴۱۴ق، صص ۲۵-۳۰). با این حال بیشتر علما و فقیهان شیعه، پیرو مکتب وثوق صدوری بوده‌اند که عبارتند از: قدمای اصحاب از عصر کلینی و شیخ صدوق تا محقق حلّی، بسیاری از متأخران و عالمان و فقیهان پس از محقق حلّی، اخباریان و به عبارتی گروهی از عالمان و فقیهان قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری از جمله محدث بحرانی و در نهایت اصولیان و عالمان پس از پایان یافتن دوره اخباری‌گری با ظهور اندیشه وحید بهبهانی. نامورترین افراد مکتب وثوق صدوری عبارتند از: علامه کرکی، محمد تقی مجلسی، علامه مجلسی، شیخ بهائی، وحید بهبهانی، بحر العلوم، نراقی، میرزای قمی، شیخ انصاری، صاحب جواهر، صاحب ریاض، حاج آقا رضا همدانی، آیه الله بروجردی و امام خمینی (شهید ثانی، ۱۳۹۴ش، صص ۱۰۲ و ۱۰۳).

بر این اساس با توجه به اینکه وجود روایات در کتب معتبر و مشهور هم از سوی پیروان مکتب وثوق صدوری و هم مکتب وثوق سندی به عنوان قرینه و قاعده‌ای بر اعتبار احادیث شمرده شده، بازیابی کتب گذشتگان و اثبات اینکه کدام احادیث جوامع روایی، از آن کتب اخذ شده‌اند می‌تواند موجب شود احادیثی که به علت ضعف در سند فاقد اعتبار بودند، در صورت اثبات وجود در یکی از کتب مورد وثوق گذشتگان، حتی شامل قواعد مورد پذیرش قائلان به وثوق سندی شده و معتبر به حساب آیند.

۳. علی بن الحسن الطاطری از منظر علم رجال

ابوالحسن علی بن حسن بن محمد الطائی معروف به الطاطری، فقیه، محدث و از اصحاب امام کاظم (ع) است که بر امامت ایشان توقف کرد و از شیوخ و بزرگان واقفیه گردید. نجاشی او را توثیق، کتابهای فراوانی را از او نقل و دو طریق خویش به کتب او را گزارش کرده است. همچنین شیخ طوسی به جهت آنکه او در کتبش از رجال و روایات موثق استفاده کرده، آنها را معتبر دانسته و درباره او می‌گوید: «و له کتب فی الفقه، رواها عن الرجال الموثوق بهم و بروایاتهم، فلأجل ذلك ذكرناها. منها: کتاب الحیض، کتاب المواقیت، کتاب القبلة، کتاب فضائل

امیرالمؤمنین (ع)، کتاب الصداق، کتاب النکاح، کتاب الولایه، کتاب المعرفة، کتاب الفطره، کتاب حجج الطلاق، و قیل أنها أكثر من ثلاثین کتابا» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷۱). شیخ طوسی بر عمل طایفه شیعه به روایات طاطریون تا زمانی که حدیث مخالفی نسبت به آن روایات وجود نداشته باشد نیز ادعای اجماع کرده است. همچنین طاطری جزء افرادی است که دارای توثیقات عمومی بوده و مشایخ بلافصل او موثق شمرده می شوند (دلبری، ۱۳۹۵ش، ص ۱۳۶) علامه حلی نیز از او با عنوان فقیه و ثقه در حدیث یاد کرده که از چهره های شاخص واقفیه بوده و نسبت به آن تعصب داشته است (حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۳۲). با توجه به آنکه طاطری مؤلف کتب متعددی بوده و در عصر امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) می زیسته و روایات فراوانی را از اساتید خود و از ائمه (ع) ثبت کرده و از نظر رجالی ثقه محسوب می شود، بازیابی کتب او با اهمیت به نظر می رسد.

در عین حال از منظر رجالیان متأخر که پایبند به وثوق سندی هستند، تعدادی از روایات او که به دست صاحبان کتب اربعه رسیده به علت مجهول یا ضعیف بودن برخی از شاگردان، ضعیف دانسته شده، در حالی که اثبات وجود آن روایات در کتب طاطری رافع آن ضعف بوده و بر درجه اعتبار آنها خواهد افزود. زیرا در صورت اطمینان به وجود روایات در کتب خود طاطری، شهادت نجاشی و طوسی بر وثاقت او و مشایخش و مورد عمل بودن روایات او تا زمانی که مخالفی نداشته باشد؛ حتی برای فقهای متأخر نیز معتبر بوده و به عنوان نظر یک فقیه در زمان گذشته که برای متأخران به دلیل فاصله زمانی زیاد غیرقابل اعتناء باشد قلمداد نمی شود و گویی یکی از متأخران نسبت به کتابی که در دست دارد حکم به وثاقت و مورد عمل بودن روایات آن را اعلام نماید چراکه اکنون با شواهد و قرائنی اثبات کردیم که این احادیث از کتاب خود طاطری نقل شده است.

۴. بازیابی منابع کهن و روش های آن

در تعریف بازیابی منابع حدیثی باید یادآور شویم که بازیابی به معنای بازسازی نیست (مردانی، ۱۳۹۳ش، صص ۱۴۸ و ۱۴۹) و همچنین به معنای صرفاً جمع آوری روایات یک راوی هم نیست. «بازسازی» این است که «احادیث مصادر مکتوب را که به مرور زمان مطالب آن متفرق گردیده و به صورت قطعه قطعه در تصنیفات و مؤلفات بعدی با تقدیم و تأخیر و تقطیع و... نقل شده از مصنفات و مؤلفات بعدی جمع آوری کنیم و در کنار هم بگذاریم تا نوشتار اولیه به همان صورت آغازین آن درآید» (مددی، ۱۳۹۳ش، ص ۳۹۳) در حالی که «بازیابی فرایند کشف و شناسایی متون یا روایات یک اثر گم شده از میان منابع پسین است» (مردانی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۴۸). به تعبیر دقیق تر بازیابی به اثبات وجود احادیث در منابع کهن نظر دارد و همین که قرائنی بر این مطلب دلالت کند به میزان

قرائن و شواهد اثبات کننده، اعتبار احادیث نیز افزایش پیدا کرده و تأثیری که ضعف راویان پس از مؤلف آن کتاب بر اعتبار آن احادیث می‌گذارند را ملغی می‌کند.

بازیابی کتب حدیث گذشتگان به روش‌های مختلفی امکان پذیر است. برخی از این روش‌ها عمومیت داشته و برای یافتن منبع مکتوب اولیه هر کدام از کتب اربعه و جوامع حدیثی قابل استفاده است و برخی دیگر اختصاص به کتب خاصی دارد مثلاً تنها در الکافی و یا تنها در تهذیبین و الفقیه قابل پیاده سازی است.

روش‌های عمومی پرکاربرد بازیابی احادیث به ترتیب زیر است:

۱- تطبیق اسناد روایات با طرق منتهی به صاحبان کتب در فهرست‌ها. یعنی اگر تمام یا بخشی از سند یک روایت مطابق باشد با طریقی که در کتب فهرست از آثار تألیفی قدماء وجود داشته، به احتمال زیاد، منبع روایت همان کتابی است که در دست صاحبان فهرس بوده است. البته پیاده سازی این روش تا آنجا که موجب اثبات منبع اولیه شود و افزایش اعتبار روایت را نتیجه دهد به وجود توثیق نسبت به کتاب منبع با تجمیع قرائن اطمینان ساز محتاج است (دلبری، احمدی نیک و خوشحال، ۱۴۰۳ش، صص ۵۹-۸۶).

۲- تکرار سلسه سند. یکی از بهترین راه‌های کشف منبع، سند پرتکرار با حلقه‌های واسطه‌ای یکسان است؛ اگر به چند سند دست پیدا کنیم که تمام یا بخشی از راویان پی در پی آنها در آن اسناد تکرار شده باشند معلوم می‌شود منبع مکتوب در نقل آن چند حدیث منبع واحدی بوده است خصوصاً اگر آن چند حدیث یکجا ذکر شده باشند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳ش، صص ۱۵-۱۶). در این روش نه تنها تکرار مجموعه راویان یک سلسه سند، بلکه حتی کثرت نسبی نقل یک راوی از یک استاد نسبت به اساتید دیگرش در میان سلسله سندهای مختلف می‌تواند مؤیدی قوی بر منبع اصلی بودن کتاب آن استاد باشد (قربانی زرین، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴) چراکه گستردگی نقل یک مؤلف از یک راوی تنها با یک طریق این احتمال که مؤلف از منابع واسطه‌ای بهره گرفته باشد را تضعیف می‌کند (مفید، ۱۴۰۰ش، ص ۲۷۳).

۳- تطبیق موضوع روایت با عنوان کتاب. به این معنی که کدام یک از رجال سلسله سند، صاحب کتابی بوده که با روایت مورد بحث، هماهنگی موضوعی دارد. در برخی موارد بیش از یک نفر از روات سند دارای کتابی با موضوع مشابه بوده‌اند، در این هنگام برای تشخیص منبع اصلی نیاز به قرائن دیگری داریم اما در اکثر مواقع، این روایت را می‌توان جزئی از هر دو کتاب مفقود دانست. طبق نظر برخی از محققان، تطبیق موضوع روایت با عنوان کتاب رایج‌ترین روش منبع یابی روایات است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷ش، ص ۱۷۶).

اما روش‌های بازیابی کتب که اختصاص به الکافی دارد نیز متعدد است. به عنوان نمونه: ۱- تصریح کلینی در برخی موارد به اخذ روایت از کتاب (قربانی زرین، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴). ۲- اولین راوی بعد از «عده من اصحابنا، جماعة من اصحابنا» که کلینی در الکافی به فراوانی به کار برده است معمولاً منبع نقل کلینی است. اثبات این مطلب از مقایسه ادامه سند کلینی تا امام معصوم (ع) با سندی که در کتاب اولین راوی بعد از «عده من اصحابنا/جماعه من اصحابنا» تا امام معصوم (ع) وجود دارد امکان پذیر است (ملکی، ۱۴۰۲ش، ص ۶۰ و ۶۱). همچنین نمونه‌ای از روش بازیابی کتب که اختصاص به تهذیبین و من لایحضره الفقیه دارد توجه به ابتدای اسناد روایات است. شیخ طوسی در تهذیب و استبصار و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، معمولاً اسناد روایت را با نام صاحب کتاب شروع می‌کنند و طریق خود تا صاحب کتاب را در مشیخه می‌آورند، بنابراین ابتدای سند در هر روایتی که طوسی و صدوق با نام او سند حدیث را شروع کرده‌اند، صاحب کتاب و منبع نقل ایشان است (طوسی، ۱۴۰۷ق، المشیخه، ص ۴)، (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۰۴).

علاوه بر سه روش مذکور اصول و قواعد دیگری هم بر بازیابی کتب قدماء حاکم است. از جمله این که «اگر در یک سند چند راوی دارای کتاب باشند کتاب آخرین نفر (استاد اقدم) منبع است به ویژه در مواردی که استاد دارای کتابی با عنوانی متناسب با محتوای حدیث است» (ملکی، ۱۴۰۲ش، ص ۴۷).

۴-۱. بازیابی منابع کهن بر اساس روش اسناد پرتکرار

روش اسناد پرتکرار همانطور که پیش از این نیز به آن اشاره شد از روش‌های عمومی بازیابی منابع کهن بوده و برای هر منبع مفقودی که اسناد و روایات آن در منابع پسین آمده باشد قابل استفاده است. در تعریف «اسناد پرتکرار» چنین گفته شده که: «به اسانیدی گفته می‌شود که مجموعه راویان سند، تکرار قابل توجهی داشته باشند و از این طریق مشخص احادیث فراوانی در مجموعه‌های روایی گرد آمده باشد» (قربانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۱۵). همچنین «از اسناد پرتکرار با عنوان اسناد مشهوره نیز یاد شده است» (شیری زنجانی، ۱۴۳۹ق، ص ۸۰) لکن شایان ذکر است و در ادامه نیز خواهد آمد که تکرار می‌تواند در بخشی از یک سند وجود داشته باشد و لازم نیست حتماً مجموعه راویان سند تکرار قابل توجهی داشته باشند زیرا با توجه به اینکه اصل‌ها مجموعه‌های اولیه‌ای از نگاشته‌های حدیثی هستند که فاقد باب بندی بوده‌اند بعضاً صاحبان کتب کهن، روایات مختلف را از اصل‌ها جمع‌آوری و در قالب باب‌بندی‌های فقهی تألیف می‌کردند. بنابراین در این مواقع تکرار به صاحبان کتب منتهی می‌شود نه به صاحبان اصول و این یعنی تکرار در بخشی از یک سند است نه در یک سند کامل؛ همچنین لازم نیست حتماً تکرار به عدد بسیار بالایی برسد و قابل توجه باشد و یا به حد شهرت برسد چراکه هر سند (یا بخشی از یک سند) به میزان

تعدادی که دارد در افزایش اعتبار خود مؤثر است و دیگر اینکه برای به دست آوردن تعداد تکرارهای دقیق یک سلسله سند باید موارد مشابه در جوامع روایی را یکبار به حساب آوریم به عنوان مثال اگر کلینی در کافی ۱۰ محتوای مختلف حدیثی را با تکرار یک سلسله سند نقل کرده و طوسی هم در تهذیب همان ۱۰ محتوای حدیثی را با همان یک سلسله سند نقل کرده در اینصورت تعداد تکرار این یک سلسله سند تنها ۱۰ مرتبه است نه ۲۰ مرتبه. بنابراین به نظر می‌رسد تعریف دقیق تر مفهوم «اسناد پرتکرار» عبارت از این است که: هر سلسله سند کامل یا بخشی از آن که دو یا چند محتوای حدیثی مختلف را برای اولین بار نقل کرده باشد «سند تکراری» و اگر محتواهای بیشتری را نقل کرده باشد «سند پرتکرار» خواهد بود. به عبارت دیگر اول باید دانست که بسیاری از اوقات تکرار در بخشی از یک سلسله سند اتفاق می‌افتد، دوم اینکه باید به «سند تکراری» در کنار «سند پرتکرار» توجه شود چراکه تکرار سند ولو در حد کم در افزایش اعتبار حدیث مؤثر است و سوم اینکه دانسته شود، ملاک تکرار سند، تعدد محتواهای مختلف است.

تأثیر تکرار اسناد در اعتبار روایات از مبانی رجالی نیز به دست می‌آید. «بر اساس مبانی رجالی، تکرار سند در کتبی که بر اساس آنها فتوا داده می‌شود دلالت می‌کند بر اعتبار سند و همچنین زیاد روایت کردن بزرگان از یک شخص دلالت می‌کند بر وثاقت آن شخص. این دو مبانی رجالی بالاجمال دلالت دارند بر اینکه همه اسناد پرتکرار معتبر و عموم رجال آن اسناد نیز موثق هستند» (شیرازی زنجانی، ۱۴۳۹ق، ص ۹۶). به عبارت دیگر تکرار سند در کتابهایی چون کافی و تهذیب و استبصار و من لایحضره الفقیه و وسائل الشیعه که بر اساس آنها فتوا داده می‌شود (البته تکرار هر سند در نقل محتواهای مختلف برای اولین بار نه تکراری که مثلاً استبصار از تهذیب و تهذیب از کافی یا وسائل از آنها نقل کرده باشند) دلالت دارد بر اعتبار آن سند تکراری و زیاد روایت کردن صاحبان کتب اربعه از یک شخص دلالت می‌کند بر وثاقت او.

۴-۱-۱. میزان تعدد معتبر در اسناد پرتکرار

در برخی موارد تکرار اسناد مشهوره و پرتکرار به اعداد بسیار بالایی رسیده است. به عنوان مثال سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبد الله» در کافی ۴۱۰ مرتبه و در التهذیب ۳۳۲ مرتبه تکرار شده است یا سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن حلبی عن ابی عبد الله» در کافی ۲۶۰ و در التهذیب ۴۳۷ مرتبه تکرار شده است. این تعداد از تکرار دلیل بر این است که منبع احادیث در سند اول کتاب سکونی و در سند دوم کتاب حلبی است چون از یک سو این دو آخرین فرد مؤلف در هر کدام از دو سند هستند و از سوی دیگر کثرت تکرار احتمال منبع بودن کتب سایر راویان را نفی می‌کند. اما سؤالی که اینجا به ذهن می‌رسد

این است که چه میزان از تکرار یک سلسله سند باید وجود داشته باشد تا بتوانیم آن را جزء اسناد پرتکرار به حساب آوریم؟ پاسخ آن است که نمی‌توانیم بگوییم که حتماً باید حداقل تکرار به ۱۰۰ یا ۵۰ عدد برسد تا عنوان پرتکرار یا تکراری صادق باشد، بلکه در صورت احراز صاحب کتاب بودن راویان انتهای سند در اسناد تکراری حتی ۴، ۳ یا ۲ مرتبه تکرار هم می‌تواند موجب تقویت مصدريت کتاب تألیفی راوی انتهای تکرار باشد. در نتیجه اگر تصریح به اعتبار آن منبع در کتب فهرست وجود داشته باشد، تکرار آن سند قرینه‌ای بر اخذ از آن منبع خواهد بود و به میزان تکراری که دارد موجب افزایش اعتبار محتواهایی که منتقل می‌کند خواهد شد. در این صورت اگر در همین سلسله سند یک راوی مجهول وجود داشته باشد و موجب ضعف سند باشد، تکرار سند به نسبت خود می‌تواند علیه ضعف سند تأثیر کند و به افزایش اعتبار حدیث منجر شود البته این در صورتی است که علت ضعف صرفاً در سند باشد و الا اگر علت ضعف در محتوا و به دلیل مخالفت با قرآن یا سنت متواتر و امثال آن باشد از محل بحث خارج بوده و تکرار سند تأثیری در مقابله با چنین علل ضعفی که احتمالاً ناشی از وضع و جعل است نخواهد داشت. در برخی از تحقیقات انجام شده، تکرار کم یک سلسله سند، نشان دهنده مصدريت راوی انتهای تکرار دانسته نشده بلکه قرینه بر مصدريت راوی ابتدای سند دانسته شده. البته محقق مذکور (محمود ملکی) این مطلب را مشروط به این دانسته که قرینه‌ای دال بر منبع بودن راوی اقدم در دست نباشد. او می‌گوید: «هر گاه سندی بسیار تکرار شود می‌تواند قرینه دریافت از کتاب باشد. برای مثال: تکرار سند «علی بن ابراهیم عن ابیه» قرینه‌ای است بر دریافت حدیث از کتاب ابراهیم بن هاشم (البته این در صورتی است که قرائن دیگری دال بر منبع بودن کتاب ابراهیم در دست نباشد) (چون اگر قرینه دیگری دال بر منبع بودن کتاب ابراهیم در دست باشد دیگر نیازی به استفاده از قرینه بودن تکرار سند برای اثبات منبع ایجاد نخواهد شد) اما اگر سندی به ندرت نقل شود بر دریافت حدیث از کتاب راوی نخستین دلالت می‌کند هر چند مروی عنه کتاب داشته باشد. برای فهم بهتر قاعده به این مثال توجه کنید: سند «علی بن ابراهیم عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب» یکبار در الکافی آمده است، همین نشان می‌دهد که کتاب علی بن ابراهیم منبع است. سند «الحسین بن محمد عن احمد بن محمد السیاری» نیز ۱۱ بار در الکافی آمده است و این نشان می‌دهد که کتاب محمد بن یحیی منبع است نه کتاب محمد بن عبد الجبار» (ملکی، ۱۴۰۲، صص ۸۸ و ۸۹). لکن از تبیین پیش‌گفته آشکار است که سخن این محقق، کلامی دارای اشکال و بدون دلیل به نظر می‌رسد چرا که خود تکرار ولو در حد کم، قرینه‌ای است بر منبع بودن راوی اقدم نه راوی نخست که با وجود تصریح به صاحب کتب متعدد بودن و همچنین وحدت موضوعی، این قرینه تقویت می‌شود. البته به احتمال زیاد منظور محقق مذکور از منبع، کتابی بوده که در دست کلینی قرار داشته نه منبع و مصدر اولیه احادیث،

چون این محقق در تحقیق خود در صدد بازایی منابع الکافی بوده، لکن بازهم نشاید که تکرار کم را دلیل بر مصدريت راوی ابتدای سند (نزدیک به کلینی) بشمارد، چنانکه با کلام خود آن محقق در جای دیگری از اثر خود نیز مخالفت دارد. آنجا که می‌گوید: «اگر در یک سند چند راوی دارای کتاب باشند کتاب آخرین نفر (استاد اقدام) منبع است به ویژه در مواردی که استاد دارای کتابی با عنوانی متناسب با محتوای حدیث است» (ملکی، ۱۴۰۲، ص ۴۷). بنابراین وقتی در حالت عادی کتاب آخرین نفر منبع است این اشکال به سخن محقق مذکور وارد است که چرا در حالتی که سند تکرار داشته باشد (و لو تکرار کم) منبع آن راوی ابتدای سند باشد؟

۵. بازیابی احادیث کتب طاطری بر اساس اسناد پرتکرار

برای احراز منبع بودن کتب طاطری بر اساس این روش باید اسناد پرتکراری که علی بن حسن طاطری در آن وجود دارد را بررسی کنیم یا به عبارت دیگر موارد تکرار شده سلسله سند از ابتدای سند (کلینی/طوسی) تا صاحب کتاب را در میان اسناد مختلف به دست آوریم. بدین منظور با استفاده از نرم‌افزار درایه‌النور ۳ نام «علی بن حسن الطاطری» را به عنوان راوی، جستجو و تعداد روایات منقول از هر یک از شاگردان و مشایخ او را که در قسمت شیخ و شاگرد مشخص شده بررسی و اسناد پرتکرار را استخراج می‌کنیم.

جدول شماره ۱: اسناد پرتکرار شاگردان طاطری از طریق این سماعه

ردیف	شاگردان طبقه ۷	شاگردان طبقه ۶	شاگردان طبقه ۵	شاگردان طبقه ۴	شاگردان طبقه ۳	شاگردان طبقه ۲	شاگردان طبقه ۱	مشایخ
۱	ابتدای سند (التهدیب)	محمد بن حسن بن علی الطوسی (۷مرتبه)	احمد بن عبد الواحد بن عبدون و الحسین بن عبید الله الغضائری و محمد بن نعمان المفید (۷مرتبه)	الحسین بن علی بن سفیان البزوفری (۷مرتبه)				
۲	ابتدای سند (التهدیب)	محمد بن حسن بن علی الطوسی (۷مرتبه)	احمد بن ابوطالب بن عبدون (۷مرتبه)	عبید الله بن احمد ابوطالب الانباری (۷مرتبه)				
۳	ابتدای سند (التهدیب)	محمد بن حسن بن علی الطوسی (۲مرتبه)	محمد بن محمد بن نعمان المفید (۲مرتبه)	جعفر بن محمد بن قولویه (۲مرتبه)		حمید بن زیاد الکوفی (۱۸مرتبه)	حسن بن محمد بن سماعه (۱۸مرتبه)	...
۴	ابتدای سند (التهدیب)	محمد بن حسن بن علی الطوسی (۲مرتبه)	الحسین بن عبید الله الغضائری (۲مرتبه)	ابو غالب احمد بن محمد الزراری و ابو محمد هارون بن موسی التلعکبری و ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه و ابو عبد الله احمد بن ابی رافع الصیمری و ... (۲مرتبه)	محمد بن یعقوب الکلبینی (۴مرتبه)			

در جدول شماره ۱ به عنوان مثال سلسله سند ردیف ۱، هفت مرتبه تکرار شده است و این یعنی هفت روایت مختلف با همین یک سلسله سند به علی بن حسن طاطری منتهی شده است. این تکرار قرینه‌ای است بر منبع بودن کتاب طاطری البته در صورتی که به او ختم شده باشد و الا اگر همان تعداد تکرار در مشایخ طاطری هم وجود داشته باشد، منبع آن احادیث، کتب مشایخ طاطری خواهند بود. در ادامه در جدول شماره ۲ نشان داده شده که مشایخ طاطری در احادیثی که ابن سماعه از او نقل کرده است متعدد بوده‌اند و معلوم است که تکرار به طاطری ختم شده و در مشایخ او ادامه پیدا نکرده است.

۵-۱. اسناد پرتکرار با واسطه حسن بن محمد بن سماعه

یکی از شاگردان بلافاصله طاطری، حسن بن محمد بن سماعه است. او در مجموع کتب اربعه در ۳۷ سند به عنوان اولین راوی از کتب طاطری قرار دارد که ۱۸ سند در التهذیب، ۱۷ سند در الاستبصار و ۲ سند در الکافی است. در من‌لایحضره‌الفقیه نیز چنانکه قبلاً اشاره شد حدیثی از طاطری نقل نشده. از ۱۷ سند و محتوای احادیث الاستبصار ۱۶ سند و محتوا عیناً در التهذیب آمده است و در ۱ مورد در استبصار سندی ذکر شده که در التهذیب از آن سند استفاده نشده اما محتوای این یک مورد هم در التهذیب آمده بنابراین سند استبصار در این یک حدیث مجزا از سند تهذیب است اما این سند استبصار تکرار نشده و محتواهای دیگری را که از طریق ابن سماعه به طاطری منتهی می‌شود را نقل نکرده، بنابراین از بحث اسناد پرتکرار خارج می‌شود. تا اینجا حسن بن محمد بن سماعه در ۱۸ سند مجزا از علی بن حسن طاطری نقل روایت کرده است. یک حدیث از دو حدیث الکافی هم با همان محتوا و سند که در الکافی است در التهذیب وجود دارد که در اینجا به دلیل مشابهت سند کلینی را به حساب نمی‌آوریم و همان نقل طوسی از کلینی را به حساب می‌آوریم. محتوای یک حدیث دیگر الکافی نیز در التهذیب وجود دارد اما شیخ طوسی آن را از کتاب کلینی نقل نکرده بلکه از کتاب حسن بن محمد بن سماعه نقل کرده است. یعنی این یک حدیث کافی نیز سندی مجزا از طریق طوسی به طاطری دارد اما چون این سند کلینی نیز تکرار نشده و محتواهای دیگری را که از طریق ابن سماعه به طاطری میرسد را نقل نکرده از بحث اسناد پرتکرار خارج می‌شود و آن را نیز به حساب نمی‌آوریم.

بنابراین در مجموعه کتب اربعه تعداد ۱۸ سند که در آنها حسن بن محمد بن سماعه حدیثی را از علی بن حسن طاطری نقل کرده است وجود دارد. با بررسی این ۱۸ سند مشاهده می‌کنیم که مجموعاً تعداد ۷ محتوای مجزای حدیثی وجود داشته که با طرق مختلف به ۱۸ سند رسیده و به شیخ طوسی واصل شده است. این یعنی ابن سماعه ۷ مرتبه به روایات کتب طاطری اعتماد کرده و آنها را به شاگردان خود منتقل کرده و شاگردان هم به

آن روایات اعتماد کرده و به شاگردان خود منتقل کرده‌اند تا اینکه به شیخ طوسی رسیده تا آنجا که برای شیخ طوسی هم محرز بوده که طاطری کتب فراوانی در ابواب فقهی تألیف کرده است. آنچه که برای یافتن منبع اصلی احادیث و بازیابی کتب بر اساس روش اسناد پرتکرار اهمیت دارد همین اعتمادی است که بزرگان حدیث و فتوا به یک کتاب کهن داشته‌اند زیرا هر مرتبه تکرار نشان می‌دهد که مشایخ طوسی (که اهل فتوا بوده‌اند) منبع کهن را مورد اعتماد دانسته (و بر اساس آن فتوا داده‌اند) بنابراین می‌توانیم پس از حذف موارد مشابه در کتب اربعه، اسناد واحدی که محتوای متعددی را منتقل کرده‌اند و به این دلیل پرتکرار شده‌اند را نشان از تکرار اعتماد دانسته و بر اساس آن میزان اعتبار منبع کهن را نتیجه بگیریم. مضافاً بر اینکه حتی اگر اعتماد قدماء به کتب کهن را برای متأخران مورد قبول ندانیم، صرفاً تکرار یک سلسله سند در انتقال چند محتوای حدیثی که منتهی به یک منبع کهن بوده است نشان از میزان اعتبار آن منبع کهن دارد.

طوسی در التهذیب از میان این ۱۸ سند ۱۴ مورد را از کتاب حسن بن محمد بن سماعه و ۴ مورد را از کتاب کلینی نقل کرده چون این احادیث را با نام آن دو آغاز کرده است. از آنجا که طوسی در مشیخه تهذیب دو طریق به کتاب حسن بن محمد بن سماعه دارد، در نرم افزار درایه النور^۳ هنگام نمایش تعداد اسناد، هر کدام از محتواهای حدیثی حسن بن محمد بن سماعه به صورت جداگانه به هر یک از دو طریق طوسی تا ابن سماعه الصاق شده، یعنی در تهذیب ۷ محتوای مجزای حدیثی داریم که هر کدام با دو طریق از کتاب حسن بن محمد بن سماعه به دست شیخ طوسی رسیده است. همچنین ۲ محتوای حدیثی را که طوسی از الکافی در التهذیب نقل کرده بود، به ۲ طریق طوسی تا کلینی الصاق کرده و در قالب ۴ سند درآورده است. این یعنی هر کدام از دو طریق طوسی تا کلینی ۲ مرتبه تکرار شدند چون هر کدام دو محتوای مجزا را نقل کرده‌اند همچنین هر کدام از دو طریق طوسی تا حسن بن محمد بن سماعه نیز ۷ مرتبه تکرار شده‌اند چون هر کدام هفت محتوای مجزا را نقل کرده‌اند. در نتیجه راوی مبدأ و حلقه مشترک این چهار طریق (ردیف ۴ تا ۷ در جدول شماره ۱)، منبع اصلی آن ۱۸ سند بوده است. اما در صورتی که همین تعداد تکرار در مشایخ صاحب کتاب هم وجود داشته باشد معلوم می‌شود که منبع اصلی، کتاب راوی اقدم بوده است. در محل بحث ما نیز همه آن ۱۸ سند به حمید بن زیاد و از او به ابن سماعه و از او به طاطری منتقل شده است اما این تکرار در علی بن حسن طاطری متوقف شده و نسبت به مشایخ طاطری ادامه پیدا نکرده بلکه طاطری از شش راوی مختلف که عبارتند از: عبد الله بن وضّاح، محمد بن ابی حمزه، مشمعل بن سعد، نوح بن دراج، محمد بن سکین و علی بن محمد نقل کرده است. وحدت موضوع نیز مؤیدی است بر اینکه مؤلف با هدف تألیف کتاب آنها را جمع آوری کرده است. همانطور که در جدول زیر نیز نشان داده شده احادیث

دوم تا هفتم در موضوع ارث است. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که این ۶ حدیث در یکی از کتب علی بن حسن طاطری (کتاب المیراث) وجود داشته است.

حدیث ردیف ۴ از جدول شماره ۲ به علت وجود عقبه بن بشیر اسدی که فردی ناشناخته در سلسله مشایخ طاطری بوده و همچنین حدیث ردیف ۷ از این جدول به علت وجود شخصی به نام علی بن محمد که او نیز برای رجالیان ناشناخته است، بر اساس ملاک‌های حدیث شناسی متأخران ضعیف مهمل شناخته شده است در حالی که با اثبات وجود این دو حدیث در کتاب طاطری بر اساس روش اسناد پرتکرار، می‌توانیم اعتبار بیشتری برای این دو حدیث قائل شویم.

جدول شماره ۲: توقف تکرار در طاطری و عدم وجود آن در مشایخ او

ردیف	محتوا (موضوع) حدیث	مشایخ	مبدأ تألیف کتاب	شاگرد طبقه ۱	شاگردان طبقات بعد
۱	ثمن العذرة من السحت	عبد الله بن وضّاح ...	علی بن الحسن الطاطری	حسن بن محمد بن سماعه	ادامه سلسله سند مطابق با ردیف ۱ و ۲ از جدول شماره ۱
۲	فی رجل ترک أبویه و إخوته قال «لأُم السدس و لأب خمسة أسهم ...	مشمعل بن سعد ...			
۳	فی امرأة توفیت و ترکت زوجها و أمها و أبها قال «هی من ستّه أسهم للزوج ...	عبد الله بن وضّاح ...			
۴	فی رجل مات و ترک زوجته و أبویه قال «للمرأة الربع و لأُم الثلث و ما بقی ...	نوح بن درّاج ...			
۵	بنات الابن یرثن مع البنات	محمد بن ابی حمزة ...			
۶	قلت له بنات أخ و ابن أخ قال «المال لابن الأخ» قلت قرابتهم ...	محمد بن سکین ...			
۷	إن رجلا مات و ترک أخا له عبدا و أوصی له بألف درهم فأبی موالیه أن ...	علی بن محمد ...			

روشی را که نسبت به حسن بن محمد بن سماعه به کار بردیم می‌توانیم نسبت به شاگردان دیگر طاطری که مستقیم از او نقل روایت کرده‌اند یعنی سلمه بن الخطاب، موسی بن قاسم بجلی، احمد بن عمرو بن کیسبه النهدی و ... نیز به کار ببریم و احادیث بیشتری را که احتمالاً دارای ضعف سندی هستند به عنوان معتبر شناسایی کنیم.

نتایج تحقیق

این پژوهش توانسته است نتایج ذیل را به دست آورد:

۱- مفهوم دقیقی از «اسناد پرتکرار» ارائه نماید و مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده این مفهوم را رونمایی کند. این مؤلفه‌ها عبارتند از اینکه: اولاً تکرار گاهی در بخشی از یک سلسله سند اتفاق می‌افتد نه کل آن، ثانیاً اینکه باید به «سند تکراری» در کنار «سند پرتکرار» توجه شود و ثالثاً اینکه دانسته شود، ملاک تکرار سند، تعدد محتواهای مختلف است.

۲- نظر یکی از محققان درباره منبع بودن راوی ابتدای سند در صورت تکرار کم مورد نقد واقع شد.

۳- عملیات بازیابی احادیث کتب علی بن حسن طاطری به عنوان یکی از منابع کهن مورد وثوق، به اجرا درآمد و هفت محتوای حدیثی مجزا که احتمالاً از منبع کتاب المیراث طاطری نقل و انتشار یافته بود، بازیابی و ضعف موجود در دو مورد از آنها تا حدودی به اعتبار تبدیل شد.

۴- شالوده اصلی بازیابی بر اساس اسناد پرتکرار در این تحقیق به این شکل است: از یک سو «سند تکراری» اثبات می‌کند که احادیث از کتاب طاطری منتشر شده و از سوی دیگر توثیق شیخ طوسی اثبات می‌کند که طاطری از رجال موثق و کتب موثق اخذ حدیث می‌کرده در نتیجه معلوم می‌شود که آن احادیث، شامل توثیقات شیخ طوسی و سایر رجالیان بوده است؛ در حالی که قبل از به کار گیری این روش و عدم اثبات منبع بودن کتاب طاطری برای آن احادیث، تنها موثق بودن شخص طاطری در اعتبار آنچه روایت کرده (اعم از اینکه صرفاً ناقل روایت بوده یا در کتاب خود آورده) تأثیرگذار بود و ضعف شاگردان او، عاملی برای ضعف حدیث شمرده می‌شد اما با وجود اثبات حدیث در کتاب طاطری این عامل ضعف، به نسبت تکرار سند، بی‌تأثیر می‌شود.

کتاب‌نامه

- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *زبدۀ البیان فی احکام القرآن*، تهران: المكتبة المرتضوية.
- اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان*، قم: النشر الاسلامی.
- ایماندار، حمید؛ مصطفوی‌فرد، حامد (۱۴۰۰ش)، «نقش عملکرد حلقه فکری محقق اردبیلی در پیدایش اخباری‌گری در تشیع (بررسی عملکرد پیروان مکتب وثوق سندی و پیامدهای آن)»، *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی*، سال نوزدهم، شماره ۷۶، صص ۷-۳۴.
- باقری، حمید (۱۳۹۳ش)، «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی»، *پژوهش های قرآن و حدیث*، سال ۴۷، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
- جدیدی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۹ش)، «روش دستیابی به منابع الکافی»، *آینه پژوهش*، ۲۲ (۱۳۳)، صص ۱۶-۲۰.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷ش)، *رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه*، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد و سید محمدهادی گرامی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- حجت، هادی (۱۳۸۶ش)، *جوامع حدیثی شیعه*، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- حلی، جمال‌الدین حسن (۱۴۰۲ق)، *رجال العلامة الحلی*، چاپ دوم، قم: شریف الرضی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲ش)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، بی‌نا، بی‌جا.
- دلبری، علی (۱۳۹۵ش)، *آشنایی با اصول علم رجال*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
- دلبری، علی؛ احمدی نیک، مهدی و خوشحال، رضا (۱۴۰۳)، «بازیابی احادیث کتب علی بن حسن طاطری بر اساس روش «تطبیق سند روایات با طرق منتهی به صاحبان کتب در فهرست‌ها»»، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۱ (۶۴)، صص ۵۹-۸۶.
- ربانی، محمد حسن (۱۳۸۵ش)، *سبک شناسی دانش رجال الحدیث*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- سرخه‌ای، احسان (۱۳۹۳ش)، *اعتبار سنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب تا قرن پنجم هجری*، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، حوزه علمیه قم، قم.
- سرخه‌ای، احسان (۱۳۸۸ش)، «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث*، ۱۴ (۵۱)، صص ۳۴-۵۸.
- سزگین، فؤاد (۱۳۸۰ش)، *تاریخ نگارش‌های عربی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاه حسینی، علی (۱۳۸۹ش)، *معیار اعتبار سنجی روایات از منظر قدماء*، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم حدیث، قم.
- شبییری زنجانی، سید محمد جواد (۱۴۰۲ش)، *استناد در روش شناخت رجال اسناد*، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر (ع).

- شبیروی زنجانی، محمد جواد (۱۴۳۹ق)، *اصول الرجال*، نجف: دارالبذر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۹۴ش)، *الرعایه*، ترجمه محمد حسن ربانی، قم: دلیل ما.
- شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *مشرق الشمسین*، چاپ دوم، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *العدة فی أصول الفقه*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۳ش)، *کتاب الغیبه*، چاپ چهارم، ترجمه و تحقیق مجتبی عزیزی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *الفهرست*، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق) (الف)، *مدارک الأحکام*، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق) (ب)، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام*، قم: جامعه مدرسین.
- عمادی حائری، محمد (۱۳۸۸ش)، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه روش تحلیل نمونه*، قم: دار الحدیث.
- قربانی زرین، رضا (۱۳۸۸ش)، *بازشناسی منابع الکافی و تاثیر آن بر اعتبار سندی روایات* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران.
- قربانی، محمد (۱۳۹۴ش)، «اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی»، *حدیث حوزه*، ۵ (۱۰)، صص ۱۱۳-۱۳۶.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین*، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- مددی موسوی، سید احمد (۱۳۹۳ش)، *نگاهی به دریا*، قم: انتشارات مؤسسه کتابشناسی شیعه.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۳ش)، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام.
- مردانی، مهدی (۱۳۹۳ش)، «مبانی و روشهای بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۱ (۲۱)، صص ۱۴۷-۱۷۵.
- مفید، عباس (۱۴۰۰ش)، *تاریخ حدیث مکتوب شیعه در دوران نخستین*، چاپ دوم، قم: مؤسسه معارف اهل بیت الطاهرین (ع).
- ملکی، محمود (۱۴۰۲ش)، *منابع الکافی (بخش اصول) بازیابی و اعتبار سنجی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ملکی، محمود؛ شیرازی، سید رضا (۱۴۰۱ش)، «ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی دیدگاه‌ها و مبانی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۵ (۳۰)، صص ۲۵-۵۶.
- ملکیان، محمد باقر (۱۴۰۱ش)، *دراسات فی مبانی علم الرجال*، قم: مؤسسه طه الثقافیه.
- نقیسی، شادی (۱۳۸۸ش)، *درایه الحدیث*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- نیل ساز، نصرت؛ رجائی فرد، ابوالفضل (۱۳۹۶ش)، «کارکرد فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی در تکمیل روش سزگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فهم حدیث*، ۴ (۷)، صص ۱۳۰-۱۵۶.

Bibliography:

- A group of writers (2018), *New Approaches to the Shiite Hadith Studies*. Compiled by: Morteza Salmannejad & S.M. Hadi Gerami, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- ‘Āmilī, Bahā’ al-Dīn Muḥammad b. Ḥusayn (1994), *Mashriq al-shamsayn*, 2nd ed. Mashhad: Majma’ al-Buḥūth al-Islāmiyya. (In Arabic)
- ‘Āmilī, Muḥammad b. ‘Alī al-Mūsawī (1990a), *Madārik al-aḥkām*. Beirut: Mu’assasat Āl al-Bayt(puh). (In Arabic)
- ‘Āmilī, Muḥammad b. ‘Alī al-Mūsawī (1990b), *Nihāyat al-marām fī sharḥ mukhtaṣar Sharā’i’ al-Islām*, Qom: Jāmi’a-yi Muderrisīn. (In Arabic)
- Ardabīlī, Aḥmad b. Muḥammad (1983), *Majma’ al-fā’ida wa-al-burhān fī sharḥ Irshād al-adhhān*. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī Jāmi’a-yi Mudarrisīn. (In Arabic)
- Ardabīlī, Aḥmad b. Muḥammad (1994), *Zubdat al-bayān fī aḥkām al-Qur’ān*. Tehran: al-Maktaba al-Murtaḍawīyya. (In Arabic)
- Ardabīlī, Aḥmad b. Muḥammad (n.d.), *Majma’ al-fā’ida wa-al-burhān fī sharḥ Irshād al-adhhān*. Qom: al-Nashr al-Islāmī. (In Arabic)
- Bāqarī, Ḥamid (2014), “Authentic Source and its Evidences to Early Imāmī Ḥadīth Scholars: The Position of “Written Sources” in Ḥadīth Studies of Early Scholars.” *Quranic Researches and Tradition*, 47: 1–26. (In Persian)
- Dalbarī, ‘Alī (2016), *Āshenā’ī bā uṣūl-i ‘ilm-i rijāl*. Mashhad: Razavi University. (In Persian)
- Dalbarī, ‘Alī; Aḥmadī-Nīk, Mahdī; and Khūshhāl, Riḍā (2024), “Retrieving the hadiths of the books of "Ali bin Hassan Tatri" based on the method of "matching the document of the hadiths with methods leading to the owners of the books in the lists".” *Researches of Quran and Hadith Sciences* 21(64): 59–86. (In Persian)
- Ḥillī, Jamāl al-Dīn Ḥasan (1982), *Rijāl al-‘Allāma al-Ḥillī*. 2nd ed. Qom: Sharīf al-Raḍī. (In Arabic)
- Ḥujjat, Hādī (2007), *The Collections of Shiite Hadith*. 11th ed. Tehran: SAMT. (In Persian)
- ‘Imādī-Ḥā’irī, Muḥammad (2009), *Reconstructing Early Shi’i Hadith Texts: An Analytical Method*. Qom: Dār al-Ḥadīth. (In Persian)
- Imāndār, Ḥamid, and Muṣṭafavī-Fard, Ḥamid (2021), “The Role and the Function of Muhaqqeq Ardabili’s Intellectual Circle in Emergence of Traditionalism in Shi’ism (Investigating the Performance of the Followers of ‘Reliable Chain Of Authority’ and its Consequences)” *Journal of Shiite studies*, 19(76): 7–34. (In Persian)
- Jadīdī-Nejād, Muḥammad Riḍā (2010), “Method of Accessing Al-Kafi’s Sources.” *Ā’ina-yi Pazhūhesh* 22(123): 16–20. (In Persian)
- Khu’ī, Sayyid Abū al-Qāsim (1993), *Mu’jam Rijāl al-ḥadīth wa-taḥṣīl ṭabaqāt al-ruwāt*. n.p., n.d. (In Arabic)
- Madādī-Mūsawī, Sayyid Aḥmad (2015), *A Glance at the Sea*. Qom: Shi’a Bibliography Institute Publications. (In Persian)
- Madrasī-Ṭabāṭabā’ī, Ḥusayn (2004), *The Written Heritage of Shi’ism during the First Three Islamic Centuries*. Translated by Ali Gharai and Rasoul Jafarian. Qom: Specialized Library of Islamic History. (In Persian)
- Majlisī, Muḥammad Taqī b. Maqṣūd ‘Alī (1986), *Rawḍat al-muttaqīn*. Bunyād Farhang Islāmī Kūshānpūr. (In Arabic)

- Malakī, Maḥmūd (2023), *The Sources of al-Kāfī (Uṣūl Section): Reconstruction and Authentication*. Mashhad: Astan Quds Razavi Foundation for Islamic Research. (In Persian)
- Malakī, Maḥmūd, and Shīrāzī, Sayyid Riḍā (2022), "Hadith Evaluation through the Bibliographical Analysis Method: Perspectives and Foundations." *Quran and Hadith Studies*, 15, no. 30: 25–56. (In Persian)
- Malakīyān, Muḥammad Bāqir (2022), *Darasāt fī mabānī 'ilm al-rijāl*. Qom: Mu'assasat Ṭahā al-Thaqāfiyya. (In Arabic)
- Mardānī, Maḥdī (2014), "Principles and Methods for Reconstructing Early Hadith Texts through the Recovery of the Book of Zayd ibn Wahb." *Research in Quran and Hadith Sciences*, 11, no. 21: 147–175. (In Persian)
- Mufīd, 'Abbās (2021), *The History of Written Shi'i Hadith in the Early Period*. 2nd ed. Qom: Institute of Ma'ārif Ahl al-Bayt al-Ṭāhirīn. (In Persian)
- Nafīsī, Shādī (2009), *Dirāyat al-ḥadīth*. 2nd ed. Tehran: SAMT. (In Persian)
- Nilsaz, Nosrat, and Abolfazl Rajaei Fard. 2018. "The Function of al-Ṭūsī's and al-Najāshī's Fihrist in Completing Sezgin's Method for Reconstructing Early Narrative Sources." **Studies in Understanding Hadith** 4, no. 7: 130–156. (In Persian)
- Qurbānī, Muḥammad (2015), "Frequently Repeated Isnads as Indicators of the Written Sources of al-Kāfī." *Hawza Hadith*, 5, no.10: 113–136. (In Persian)
- Qurbānī-Zarrīn, Riḍā (2009), *Identifying the Sources of al-Kāfī and Their Impact on the Reliability of Hadith Chains*. Tehran: Faculty of Theology and Islamic Studies. (In Persian)
- Rabānī, Muḥammad Ḥasan (2006), *Stylistics of the Science of Rijāl al-Ḥadīth*. Qom. (In Persian)
- Sezgin, Fu'ād (2001), *History of Arabic Writings*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Shāh-Ḥoseynī, 'Alī (2010), *Criteria for the Authentication of Traditions from the Perspective of Early Scholars*. M.A. thesis, Faculty of Hadith Sciences, Qom. (In Persian)
- Shahīd Ṭhānī, Zayn al-Dīn b. 'Alī (2015), *al-Ri'āya*, trans. Rabānī, Muḥammad Ḥasan. Qom: Dalīl mā. (In Persian)
- Shubayrī-Zanjānī, Muḥammad Jawād (2018), *Uṣūl al-rijāl*. Najaf: Dār al-Badhra. (In Arabic)
- Shubayrī-Zanjānī, Sayyid Muḥammad Jawād (2023), *Istinād dar ravish-shināsī-yi rijāl al-asnād*. Qom: Markaz-i Fiqhī-yi Imām Muḥammad Bāqir (pbuh). (In Persian)
- Sorkhei, Ehsan. 2009. "The Book of Ḥalabī: A Written Source in the Compilation of al-Kāfī." *Hadith Studies*, 14, no. 51: 34–58. (In Persian)
- Sorkhei, Ehsan. 2014. "Authenticating Shi'i Traditions Based on the Evaluation of Written Sources up to the Fifth Islamic Century." M.A. thesis, Hawza-ye 'Ilmiyya-ye Qom, Qom. (In Persian)
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (1970), *al-Istibṣār fī-mā ikhtalafa mina al-akhbār*, 1st ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (1987), *Tahdhīb al-aḥkām*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (1996), *al-'Udda fī uṣūl al-fiqh*. Qom. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (2001), *al-Fihrist*. Qom: Maktabat al-Muḥaqqiq al-Ṭabāṭabā'ī. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan (2015), *Kitāb al-ghayba*, 4th ed., trans. and researched by Mujtabā 'Azīzī. Qom: Masjid Muqaddas Jamkarān Publications. (In Arabic)